



بررسی عملکرد کشورهای اسلامی عضودر کنوانسیون منع تبعیض علیه زنان

(از منظر گزارشهای کمیسیون منع تبعیض علیه زنان سازمان ملل متحد)

■ دکتر سعید بیگدلی

استادیار دانشگاه زنجان

■ سید مجتبی حسینی الموسوی

کارشناس ارشد فقه مقارن و حقوق عمومی اسلامی دانشگاه مذاهب اسلامی

smh.almousavi@gmail.com

تاریخ دریافت: ۱۳۹۱/۳/۱۸، تاریخ پذیرش: ۱۳۹۱/۹/۸

چکیده

رعایت حقوق زنان در جوامع مختلف یکی از مسائلی می باشد که از دیرباز مورد توجه بوده است. این دغدغه را به خوبی می توان در دو سند محوری حقوق بشر یعنی اعلامیه جهانی حقوق بشر و میثاق نامه بین المللی حقوق مدنی و سیاسی به وضوح مشاهده کرد. اما این دو پیمان نامه نمی توانست فعالان حقوق زنان را راضی کند، از این رو مبادرت به تصویب کنوانسیون جداگانه به نام تبعیض علیه زنان نموده اند، تا هرچه بیشتر در این راستا گام بردارند. کشورهای اسلامی با در نظر گرفتن مبانی حقوق اسلامی سابقه بس طولانی در مورد رعایت حقوق زنان نسبت به کشورهای غیر اسلامی به ویژه غربی دارند، لیکن دنیای امروز به خصوص در عرصه بین المللی سازوکار خاصی را برای راست آزمایی ادعای دولتها درباره به رسمیت شناختن حقوق زنان برگزیده است. بنابراین لازم می باشد از منظر گزارشهای این کنوانسیون به بررسی این موضوع پرداخته شود.

کلیدواژه ها: حقوق زن، حقوق بشر، کشورهای اسلامی، کنوانسیون منع تبعیض علیه زنان، فمینیست اسلامی.

مقدمه

در اوایل قرن نوزدهم و بعد از پیدایش کشورهای متعدد اسلامی در خاورمیانه و شمال آفریقا به ویژه با تحولاتی که در برخی از نظامهای سیاسی جوامع اسلامی مانند ایران و سودان در راستای نفی سکولاریسم پدید آمد؛ هم‌زمان با این موج اسلام خواهی، ما شاهد حرکت و جنبش زنان مسلمان برای به دست آوردن حقوق مساوی با مردان هستیم که در اصطلاح به آن فمینیست اسلامی^۱ می‌گویند.

میان اندیشمندان مسلمان درباره این گرایش از فمینیست و نحوه تأثیرپذیری آن از مبانی غربی اختلاف نظر وجود دارد. برخی از آنان معتقد هستند که میان اسلام و فمینیست هیچ‌گونه تناسب و هماهنگی نمی‌توان یافت و پیدایش این مفهوم در دنیای غرب ناشی از ظلم تاریخی می‌باشد که نسبت به زنان در متون دینی ادیان ابراهیمی پیش از اسلام اعمال شده است، حال آنکه در متون مذهبی اسلام چنین تبعیضی دیده نمی‌شود.^۲ در مقابل، برخی از فعالان در عرصه زنان بر این باور هستند که واکنش دین‌مداران نسبت به فمینیست به خاطر حفظ نظام پدرسالارانه مبتنی بر دین، رسمهای موجود در اجتماع و عدم تمایل به مدرنیته شدن می‌باشد.^۳

فناغ از بحثها و اظهار نظرهایی که پیرامون مفهوم فمینیست و مشروعیت آن در بین محققان اسلامی و غیر اسلامی در میان است، زنان فعال در عرصه حقوق زنان، دو راه کاملاً متفاوت و متمایز را جهت تحقق رفع تبعیض نسبت به خود در جوامع اسلامی برگزیدند. گروهی از فمینیستهای مسلمان با پیروی از مکتب فمینیستهای لیبرال به طور کلی مذهب را از حیثه کار خود خارج نموده و بر تساوی مرد و زن با توجه به هماهنگ بودن محیط عمومی و خصوصی اذعان می‌کنند و به علت ظالمانه بودن دین و نهادهای اجتماعی خود را بی‌نیاز از حمایت مذهب می‌دانند.^۴ برخلاف گروه اول که دین را عامل تبعیض و تبدیل شدن زنان به شهروند درجه دوم در کشورهای اسلامی می‌پندارند، گروه دوم مشکل نابرابری حقوق بین زن و مرد را محصول تفسیر نادرستی می‌دانند که از متون دینی ارائه می‌شود.^۵ از منظر آنان در آیات قرآن هیچ‌گونه تبعیض بین زن و مرد وجود ندارد، بلکه تفاسیر سنتی این موضوع را القا می‌کنند.

آنان برای رفع این برداشت، اقدام به تفسیر جدید و عقلانی از متن قرآن و روایات با کمک گرفتن از مسائل جدیدی که برای

1. Islamic feminist.
2. "women in Islam versus women in the Judeo-Christian traditional", pp.2-3.
3. *Feminism in Islam*, p.3.
4. "Global feminism and women's citizenship in Muslim world", pp.3-6.
5. *Feminism in Islam*, p.15.

جهان اسلام به پیش آمده، نموده‌اند.^۶

فمینیستهای مسلمان برخلاف اسلاف سکولار خود، از ظرفیتهایی که دین برای حضور زنان در اجتماع مانند شرکت در مراسم عبادی فراهم نموده، استفاده و بر غیر قابل انکار بودن نقش زن در اجتماع و تضمین رعایت حقوق خود براساس چهارچوب حقوق اسلامی توسط دولتها پافشاری و تأکید کردند. فمینیست با هر گرایشی در یک نمای کلی خواستار به رسمیت شناختن حقوق برابر با مردان برای زنان در جوامع می‌باشند. این هدف و آرمان همان نقطه‌ای است که فمینیست را با نظام بین‌المللی حقوق بشر پیوند می‌دهد؛ چرا که دغدغه تساوی حقوق بین زن و مرد را به وضوح می‌توان در اولین سند مادر در زمینه حقوق بشر دید^۷ و این رویه در دیگر اسناد بین‌المللی مرتبط هم تکرار شده است. به‌رغم آنکه حقوق بشر به آرمان فمینیستها در گستره جهانی عینیت و رسمیت داد، اما فعالان حقوق زن، سه اشکال محوری را بر حقوق بشر می‌گیرند:

۱. حقوق زنان در اسناد حقوق بشر بر پایه حقوق مردان پی ریزی شده و به هیچ عنوان به علایق و ویژگیهای جنس زن توجه نشده است. به عبارت دیگر خارج از چهارچوب حقوق مردان، حقوقی برای زنان متصور نیست.^۸

۲. بیشترین نقض نسبت به حقوق زنان، در محیطهای خصوصی به وقوع می‌پیوندد، حال آنکه نظام بین‌المللی حقوق بشر، هیچ‌گونه سازوکاری برای نظارت در چنین محیطهایی ندارد.^۹

۳. نهادهای حقوقی در جوامع مختلف، به‌رغم ادعای آنان، مبتنی بر احترام به زنان و رعایت حقوق آنان نمی‌باشد و در آنها، نوعی تضاد و تناقض مشاهده می‌شود.^{۱۰}

تصویب پیمان‌نامه‌های متعدد مانند پیمان‌نامه حق سیاسی زنان در سال ۱۹۵۲م،^{۱۱} پیمان‌نامه موافقت با ازدواج در سال ۱۹۵۷م^{۱۲} و ... در سازمان ملل متحد، نشان از ارتقای سطح آگاهی جهان نسبت به حمایت و رعایت حقوق زنان می‌باشد. کمیسیون وضعیت زنان^{۱۳} در سال ۱۹۷۲م مباحثی را برای تهیه یک پیمان‌نامه الزام‌آور که همه جوانب و مسائل زنان را ببیند، با همیاری کشورهای عضو شروع نمود و در سومین جلسه این کمیسیون، مفاد پیمان‌نامه منع تبعیض علیه زنان آماده شد

6. "Dilemmas of Islamic and Secular Feminists and Feminisms", pp.102-104.

7. Universal declaration of human rights, article 1.

8. *women's right, human rights: international feminist perspective*, p.103.

9. *international human rights law and domestic violence*, p.80.

10. *public law after the human rights act*, pp.44-45.

11. Convention on the political rights of women.

12. Convention on the consent to marriage.

13. Csw.





و سرانجام در سال ۱۹۷۹م با رأی موافق ۱۳۰ و رأی ممتنع ۱۰ کشور در مجمع عمومی سازمان ملل به تصویب رسید و از سال ۱۹۸۱م لازم الاجرا گردید.^{۱۴} در میان کشورهای اسلامی تنها دو کشور سودان و ایران تاکنون پیمان نامه منع تبعیض علیه زنان را امضا نکرده‌اند.^{۱۵} عدم عضویت این دو کشور به ویژه ایران سبب شده است که برخی از فعالان در عرصه زنان با پیروی از شیوه غربی به سیاه نمایی موقعیت زنان بعد از انقلاب اسلامی پرداخته و مدعی شوند که حق فعالیت سیاسی و آموزشی به خصوص در رشته‌های مهندسی از آنان گرفته شده است یا با محدودیتهای بسیاری مواجه می‌باشند.^{۱۶} تاکنون در دو نوبت جداگانه در شورای عالی انقلاب فرهنگی و مجلس ششم پیرامون پیوستن ایران به کنوانسیون منع تبعیض علیه زنان بحث شده است، اما به علت مخالفت برخی از مفاد آن با شرع مقدس (حقوق اسلامی) که توسط شورای نگهبان اعلام شد،^{۱۷} ایران نتوانست به این کنوانسیون بپیوندد.

رعایت حقوق زنان به مثابه مردان، مدت مدیدی است که تبدیل به دغدغه‌ای برای فعالان عرصه حقوق بشر در جوامع مختلف شده است. از این رو در این مقاله سعی خواهد شد عملکرد کشورهای اسلامی نسبت به برخی از مفاد این کنوانسیون بررسی شود.

بر طبق ماده ۱۸ کنوانسیون منع تبعیض علیه زنان، دولتهای عضو موظف هستند که یک سال پس از عضویت به ارائه گزارش در مورد عملکرد خود بر طبق مفاد این کنوانسیون پردازند و این رویه را هر چهار سال یک بار تکرار و در صورت درخواست کمیسیون باید به طور جداگانه به تهیه گزارش مبادرت نمایند. کمیسیون از کشورهای عضو می‌خواهد که گزارشهایشان حاوی این نکات باشد: ۱. ایجاد سازوکاری در قوانین اساسی کشورهای عضو در جهت اجرای بندهای این کنوانسیون ۲. شرح دادن معیارهای قانونی تنظیم شده به منظور تضمین اجرای آن در سیستم قضایی کشورهای عضو ۳. معرفی مراکزی که به طور مستقیم درباره کنوانسیون منع تبعیض علیه زنان به فعالیت می‌پردازند و پیگیری نقض مفاد آن در برابر اتباع کشورهای عضو.^{۱۸}

باید خاطر نشان کرد که در هر قسمت از این مقاله، بخشی از

گزارشهای کشورهای اسلامی که به کمیسیون در رابطه با این کنوانسیون ارائه شده است، بیان خواهد شد، تا در حد امکان دید کلی نسبت به حقوق زنان در جوامع اسلامی با در نظر گرفتن معیارهای بین‌المللی به دست آید.^{۱۹}

۱) نفی هرگونه تبعیض علیه زنان

در اسناد حقوق بشر کرامت انسانی مورد تأکید و توجه قرار گرفته و به همین جهت در مقدمه کنوانسیون منع تبعیض علیه زنان، به این موضوع اشاره شده است که زن از نظر حیثیت انسانی با مرد برابر می‌باشد و می‌تواند از حقوق اساسی شهروندی برخوردار شود، و قصد جامعه جهانی که در سازمان ملل متحد متبلور می‌شود، مبتنی بر احترام به کرامت زن بدون هیچ تبعیضی می‌باشد، از این رو در ماده یک این کنوانسیون آمده است: «از نظر این کنوانسیون، عبارت «تبعیض علیه زنان»، به معنی قائل شدن هرگونه تمایز، استثنا یا محدودیت بر اساس جنسیت است که بر به رسمیت شناختن حقوق زنان و آزادیهای اساسی آنها و بهره‌مندی و اعمال آن حقوق، بر پایه مساوات با مردان، صرف نظر از وضعیت تأهل آنها، در تمام زمینه‌های سیاسی، اقتصادی، اجتماعی، فرهنگی، مدنی و دیگر زمینه‌ها اثر مخرب دارد یا اصولاً، هدفش از بین بردن این وضعیت است.»

مصر: دولت مصر در شرح این ماده از قانون اساسی کشور خود که در سال ۱۹۷۰م به تصویب رسیده است، بهره می‌گیرد و با ذکر ماده یازدهم قانون اساسی خود که به طور خاص به موضوع زنان پرداخته، از دولت می‌خواهد که زمینه فعالیت را برای زنان هم در عرصه خصوصی و هم اجتماعی فراهم کند و تضمین بدهد که فرصت برابر با مردان در همه زمینه‌ها مانند سیاسی، اقتصادی، اجتماعی و ... به وجود بیآورد. ماده چهارم قانون اساسی مصر بر مساوی بودن زن و مرد در برابر قانون تأکید و هرگونه تبعیض و معیارهای دوگانه در سیستم قضایی خود را به شدت نفی می‌کند.^{۲۰}

عراق: دولت عراق در ابتدای گزارش خود تأکید می‌کند که رعایت حقوق زنان در این کشور سابقه بسی طولانی دارد

۱۹. لیست کشورهای اسلامی براساس سایت سازمان همکاری اسلامی (کنفرانس اسلامی) استخراج شده است. برخی از کشورهای اسلامی عضو تاکنون هیچ گزارشی را به این کمیته ارائه نکرده‌اند. این کشورها عبارتند از: افغانستان، امارات متحده عربی، بحرین، برونی، چاد، قطر، گابون، عمان، مالی و سومالی. برخی از کشورها با وجود ارائه گزارش، در سایت کمیته رفع تبعیض علیه زنان، گزارش آنها موجود نمی‌باشد. این کشورها عبارتند از: سنگال و جیبوتی.
20. Committee on the elimination of discrimination against women, 1996, cedaw/c/EGY/3, pp.16-17.

14. www.un.org/womenwatch/daw/cedaw/history.
15. www.treatis.un.org/pages/viewdetails.
16. "Iranian women and civil rights movement in iran: feminism interacted", pp.2-3.
17. www.rcmajlis.ir/far/law.
18. HRI/GEN/REV/ADD2, International human rights instrument, COMPILATION OF GUIDELINES ON THE FORM AND CONTENT OF REPORTS TO BE SUBMITTED BY STATES PARTIES TO THE INTERNATIONAL HUMAN RIGHTS TREATIES, pp.3-4.

و زنان در دوران باستان از حق تجارت و مالکیت برخوردار بودند. علاوه بر آن بیان می‌دارد که حقوق زنان در جامعه عراق پس از پذیرش اسلام به هیچ وجه محدود نشده است. همچنین برای نمونه به این آیه از قرآن اشاره می‌کند که در آن به وضوح، حق فعالیت سیاسی زنان بیان شده است: «يَا أَيُّهَا النَّبِيُّ إِذَا جَاءَكَ الْمُؤْمِنَاتُ يُبَايِعْنَكَ عَلَىٰ أَنْ لَا يُشْرِكْنَ بِاللَّهِ شَيْئًا وَلَا يَسْرِقْنَ وَلَا يَزْنِينَ وَلَا يَقْتُلْنَ أَوْلَادَهُنَّ وَلَا يَأْتِينَ بِبُهْتَانٍ يَفْتَرِينَهُ بَيْنَ أَيْدِيهِنَّ وَأَرْجُلِهِنَّ وَلَا يَعْصِينَكَ فِي مَعْرُوفٍ فَبَايِعْنَهُنَّ وَاسْتَعْفِر لِهِنَّ اللَّهُ إِنَّ اللَّهَ غَفُورٌ رَحِيمٌ»؛^{۲۱} «ای پیامبر، هنگامی که زنان مؤمن نزد تو آیند تا با تو بیعت کنند که چیزی را همتای خدا قرار ندهند، و دزدی و زنا نکنند و فرزندان خود را نکشند، و تهمت و افترا را که ساختند، به کسی نسبت ندهند و در هیچ کار شایسته‌ای مخالفت فرمان تو نکنند، با آنها بیعت کن و برای آنان از درگاه خداوند آمرزش بطلب که خداوند آمرزنده و مهربان است».

دولت عراق بعد از ذکر مواردی از تاریخ و سنت اسلامی، درباره محترم شمردن حقوق زنان در دورانهای مختلف، اعلام می‌کند که نهایت تلاش خود را مبذول داشته است که بر طبق استانداردهای کنوانسیون منع تبعیض علیه زنان حرکت کند و موضوع تبعیض بین زن و مرد در سیاستهای قانون‌گذاری هیچ جایی ندارد و ماده ۱۹ قانون اساسی خود را به عنوان شاهد مثال این سیاست ذکر می‌کند.^{۲۲}

عربستان سعودی: دولت عربستان گزارش خود را با ترسیم فضای کلی که اسلام نسبت به عدم تبعیض به زنان دارد، شروع می‌کند. با استناد به ماده چهارم این کنوانسیون (حق مراقبت بعد از زایمان)، در راستای تأیید نظریه نظام حقوق اسلامی مبتنی بر وجود تفاوت‌های طبیعی که بین زن و مرد می‌باشد؛ برخی از حقوق خاص مانند لزوم پرداخت نفقه (خرجی) از سوی شوهر به همسر را به عنوان یکی از مصادیقی یاد می‌کند که اسلام تلاش نموده است بین زن و مرد تساوی برقرار کند. عربستان با انتقاد از فلسفه لیبرالیسم که محیط اجتماع را به دو بخش خصوصی و اجتماعی تقسیم می‌کند، نظریه اسلام را بر عدم تفاوت بین این دو محیط و مسئول بودن زن و مرد در برابر جامعه شرح می‌دهد و اعلام می‌کند که قوانین خود را از قرآن و سنت محمدی (ص) گرفته است. از این رو هیچ تفاوتی بین زن و مرد در حقوق و مزایا در این کشور وجود ندارد. برای اثبات مطلب خود به مواد ۱۰ و ۲۸ قانون اساسی خود استناد می‌کند که در مورد شکوفایی بهره‌مندی از مزایای جوامع به

۲۱. متحنه، ۱۲.

22. Committee on the elimination of discrimination against women, 1998, cedaw/c/IRQ/2-3, pp.3-4.

طور مساوی در بین تمامی اتباع می‌باشد.^{۲۳}

ازبکستان: بعد از فروپاشی اتحاد جماهیر شوروی، دولت ازبکستان از جمله اولین کشورها در حوزه آسیای میانه می‌باشد که به کنوانسیون منع تبعیض علیه زنان پیوست و تلاش نمود که هرگونه نابرابری نسبت به این قشر از جامعه را برطرف کند. این تکاپو را برای رفع هرگونه تبعیض، می‌توان به روشنی در مواد ۱۸ و ۴۶ قانون اساسی کشور ازبکستان دید.^{۲۴}

از توضیحاتی که کشورهای اسلامی در ذیل ماده یک کنوانسیون ارائه داده‌اند، می‌توان دو راهبرد را در برداشتن تبعیض نسبت به زنان برداشت کرد: ۱. گنجاندن موادی در قانون اساسی به منظور رعایت حقوق زنان که از نظر شکلی مهم‌ترین و سخت‌ترین سند حقوقی هر کشور به شمار می‌رود ۲. استفاده از پتانسیلهای موجود در فرهنگ، آداب و رسوم و سنتهای دینی در جهت ارتقای حقوق زنان در جوامع مسلمانان.

۲) مشارکت سیاسی

در گذر زمان سه نسل از حقها در عالم حقوق بشر شکل گرفت که از نظر اولویت، حقوق مدنی و سیاسی نسبت به سایر حقها پیشگام است و پیشینه آن در غرب به انقلاب کبیر فرانسه، آمریکا و حوادث بعد آن می‌رسد. متأسفانه در برهه‌ای از تاریخ، برخی از حقوق سیاسی مانند حق رأی از زنان سلب شده است. این نگرانیها سبب شده است که با گنجاندن ماده جداگانه در این کنوانسیون، خواهان رفع تبعیض علیه زنان در امور سیاسی بشوند. از این رو در ماده ۷ آمده است: دولت‌های عضو کنوانسیون موظفند اقدامات مقتضی را برای رفع تبعیض علیه زنان در زندگی سیاسی و عمومی کشور، اتخاذ نموده و مخصوصاً اطمینان دهند که در شرایط مساوی با مردان، این حقوق را برای زنان تأمین کنند: ۱. حق رأی دادن در همه انتخابات و همه پرسشهای عمومی و صلاحیت انتخاب شدن در همه ارگانهایی که با انتخابات عمومی برگزیده می‌شوند ۲. حق شرکت در تعیین سیاست دولت و اجرای آنها و به عهده گرفتن پستهای دولتی و انجام وظایف عمومی در تمام سطوح دولتی ۳. حق شرکت در سازمانها و انجمنهای غیردولتی مربوط به زندگی عمومی و سیاسی کشور.

آذربایجان: دولت آذربایجان با اشاره به مواد ۵۵ و ۵۶ قانون اساسی خود اعلام می‌کند که زنان مانند مردان از حق رأی برخوردار می‌باشند و می‌توانند در همه پستهای سیاسی موجود در آذربایجان مانند ریاست جمهوری، نمایندگی مجلس و ...

23. Committee on the elimination of discrimination against women, 2007, cedaw/c/SAU/2, pp.11-13.

24. Committee on the elimination of discrimination against women, 2004, cedaw/c/UZB/2-3, p.9.





خود را به عنوان کاندید معرفی کنند و هیچ‌گونه محدودیتی در راستای احراز مناصب مختلف سیاسی برای آنان از نظر قوانین مربوط به انتخابات وجود ندارد. بر طبق آمار ارائه شده در این گزارش، میزان مشارکت زنان در امور سیاسی بین ۱۷ تا ۶۵ درصد است که به طور میانگین ۳۳ درصد زنان به فعالیت سیاسی مشغول می‌باشند. میان احزاب سیاسی موجود در آذربایجان تنها یک حزب به طور مستقیم توسط زنان اداره می‌شود و دیگر احزاب بخشهایی دارند که به فعالیت در عرصه زنان می‌پردازند. با در نظر گرفتن نقش کم‌رنگ زنان در احزاب سیاسی، هم‌اکنون ۵۰ سازمان غیردولتی در زمینه زنان به فعالیت مشغول هستند که بنا بر ادعای دولت آذربایجان توانستند نقش مؤثری را با دادن مشاوره به مرکز امور زنان نهاد ریاست جمهوری از خود نشان بدهند. بنا بر دیدگاهی که این گزارش دارد، علت حضور اندک زنان را در هرم قدرت سیاسی در آذربایجان می‌توان در این موارد دید:

۱. وجود سنت‌های سخت در جامعه آذربایجان نسبت به حضور زنان در امور سیاسی
۲. حاکم بودن شرایط بد اقتصادی در دوران کمونیستی و بعد از فروپاشی اتحاد جماهیر شوروی سابق و نبود سازوکارهای لازم در جهت حمایت از خانواده
۳. نبود فهم مشترک نسبت به لزوم وجود یک رهبر سیاسی زن در میان زنان و تصور مردانه دانستن امور سیاسی

بوسنی و هرزگوین: بر طبق قانون اساسی این کشور، همه افراد بالای ۱۸ سال می‌توانند در تمام فرایندهای سیاسی این کشور که شامل شرکت در انتخابات و کاندید شدن می‌باشد، مشارکت داشته باشند و هیچ‌گونه محدودیتی در این زمینه برای زنان وجود ندارد. بنا بر قانون انتخابات مجلس بوسنی و هرزگوین، هر حزب سیاسی باید یک سوم از کاندیدهایی که برای احراز پست نمایندگی به مجلس معرفی می‌کند، از زنان باشد. این قانون سبب شده است که مشارکت زنان در پارلمان بوسنی به نحوه چشمگیری افزایش داشته باشد و نزدیک به ۴۰ درصد برسد. دولت بوسنی و هرزگوین در گزارش خود بیان داشته است که استانداردهای نظام بین‌المللی حقوق بشر را به طور کامل به اجرا درآورده است.

لبنان: هرچند که در لبنان هیچ قانونی وجود ندارد که موجب تبعیض بین زن و مرد در دستیابی به قدرت سیاسی بشود، اما دولت در گزارش خود اذعان می‌کند که فرهنگ مردسالارانه جامعه لبنان هنوز توانسته زنان را به عنوان یک رهبر سیاسی بپذیرد، این امر مستلزم گذشت زمان و ارتقای حقوق سیاسی

می‌باشد. یکی از عرصه‌هایی که به طور چشمگیر در کشور لبنان وجود دارد، سازمانهای فعال غیردولتی در زمینه حقوق بشر می‌باشد که نقش بسزایی در ارتقای فعالیت سیاسی زنان بر عهده دارند. اهم این فعالیتها به شرح ذیل می‌باشد:

۱. سفر به نقاط مختلف کشور لبنان به جهت آگاهی بخشی و تشویق زنان به شرکت در انتخابات و فعالیتهای سیاسی
۲. مبارزه با بی‌سوادی زنان
۳. تلاش به منظور تصویب قوانینی که فرصت مناسب به زنان برای حضور در عرصه‌های مختلف سیاسی بدهد. متأسفانه با وجود این فعالیتها میزان مشارکت زنان در احزاب سیاسی مهم در لبنان مانند ملی‌گرا، حزب الله و امل بسیار اندک و تنها محدود به امور انسانی و اجتماعی می‌باشد. به عبارت دیگر زنان از رهبری سیاسی در لبنان کنار گذاشته شده‌اند.

نیجریه: دولت نیجریه در گزارش خود اعتراف می‌کند که به‌رغم تمام تلاشهای آگاهی بخش دولت به منظور تشویق زنان برای حضور در عرصه‌های سیاسی و عمومی این کشور، متأسفانه زنان نقش چندانی در این عرصه‌ها ندارند. هرچند که بعد از دو دهه از امضای این کنوانسیون، اقدامات نسبتاً خوبی برای مشارکت بیشتر زنان در فرایند قدرت سیاسی از سوی دولت انجام شده است، اما در گزارش سال ۲۰۰۱ م حکومت به صراحت اعلام کرد که زنان هنوز این توانایی را از خود بروز نداده‌اند که در یک شرایط برابر به رقابت با مردان بپردازند. نمونه بارز این ادعا را می‌توان در میزان حضور زنان در کنگره نیجریه به دست آورد: در سال ۱۹۸۳ م از میان ۹۵ سناتور تنها یک سناتور زن بود و در انتخابات بعدی با افزایش دو کرسی به عدد سه رسید.

تبلور حق مشارکت سیاسی نسبت به زنان در جوامع، منوط به رسمیت شناختن این حق از سوی دولتهای اسلامی و تضمین اجرای آن می‌باشد. میزان کم مشارکت زنان در امور سیاسی نشان می‌دهد که صرف قانون‌گذاری نمی‌تواند به تنهایی این حق را عملی سازد، بلکه باید در سطح کشورها ضرورت حضور زنان در امور سیاسی به عنوان یک اصل غیر قابل انکار مورد پذیرش قرار بگیرد. این امر جز با فرهنگ سازی و تقویت همه جانبه احزاب و رسانه‌های جمعی میسر نمی‌شود؛ چرا که همواره تغییر ساختار قدرت در کشورها به سختی و کندی صورت می‌پذیرد.

۳) آموزش

کنوانسیون منع تبعیض علیه زنان در ماده ۱۰ خود به طور

27. Committee on the elimination of discrimination against women, 2004, cedaw/c/LBN/1, pp.13-15.

28. Committee on the elimination of discrimination against women, 2003, cedaw/c/NGA/4-5, pp.23-30.

25. Committee on the elimination of discrimination against women, 2005, cedaw/c/AZE/2-3, pp.30-33.

26. Committee on the elimination of discrimination against women, 2005, cedaw/c/BIH/1-3, pp.27-36.



تحصیل زنان در مقاطع بالای تحصیلی به سرعت افزایش داشته است، به طوری که در سال ۲۰۰۰م نزدیک به ۲۴۵ هزار دانشجوی دختر در دانشگاه‌های الجزایر مشغول به تحصیل بودند. به دلیل وجود برخی سنتها در جامعه الجزایر، تحصیل دختران در رشته‌های فنی با محدودیت مواجه بود، به طوری که در سال ۱۹۷۰م تنها دو آموزشگاه فنی در این زمینه به فعالیت می‌پرداختند، اما از یک دهه قبل توسعه این مراکز از رشد خوبی برخوردار بوده است.^{۳۰}

اوگاندا: وجود مشکلات حاد اقتصادی در اوگاندا موجب شده است که دولت نتواند تحصیلات مجانی را برای دانش‌آموزان مهیا کند. نبود تحصیل رایگان یکی از مهم‌ترین فاکتورهای می‌باشد که دختران را از ادامه تحصیل در این کشور بازمی‌دارد؛ چرا که خانوارها معمولاً ترجیح می‌دهند که فرزندان ذکور را به مدرسه بفرستند و دختران در کارهای خانه به مادرانشان کمک کنند. دولت اوگاندا از سال ۱۹۹۷م دو برنامه اساسی را برای ارتقای آموزش زنان شروع نموده است: ۱. دادن بورس تحصیلی به دخترانی که توانستند به مراحل بالای تحصیلی دست یابند ۲. رفع هرگونه نگاه تبعیض آمیز به زنان در کتابهای درسی این کشور.^{۳۱}

بنگلادش: دولت بنگلادش در ابتدای گزارش خود با استناد به اعلامیه جهانی حقوق بشر، بر حق آموزش برای همه اتباع خود تأکید و اعلام می‌کند که تمام تلاش خود را برای ارتقای آموزش در سطح کشور انجام خواهد داد. مهم‌ترین اقدامات دولت در جهت توسعه آموزش به این شرح است: ۱. تهیه لباسهای متحدالشکل و توزیع در مدارس سراسر کشور ۲. تحصیل رایگان برای کودکان ۳. ایجاد یک سیستم آموزش نوین که با استانداردهای جهانی انطباق داشته باشد.

مهم‌ترین اولویت دولت بنگلادش در زمینه آموزش، ارتقای سطح سواد همگانی به ویژه برای بانوان در مناطق روستایی می‌باشد، از این رو اعلام کرده است تا سال ۲۰۰۵م بی‌سوادی را در این کشور به حداقل خواهد رساند. بر طبق آماری که در این گزارش ارائه شده، اکنون نزدیک به ۹۴ درصد دختران می‌توانند به تحصیلات ابتدایی دست یابند.^{۳۲}

یکی از مهم‌ترین چالشهای پیش روی کشورهای اسلامی در جهت تحقق حق آموزش، کمبود منابع دولتی و بالا بودن سطح بی‌سوادی در میان جوامع روستایی می‌باشد. دولتهای اسلامی در این سالها تلاشهای خوبی را برای همگانی نمودن تحصیلات

مبسوط به موضوع آموزش زنان پرداخته و از دولتهای عضو در خواست می‌کند که هرگونه تبعیض نسبت به آموزش زنان را برطرف کنند. از منظر کنوانسیون حق مساوی آموزش برای زنان با وجود این شرایط محقق خواهد شد: ۱. ایجاد فرصتهای برابر در امر آموزش مانند اعطای بورس تحصیلی مساوی به مرد و زن ۲. تلاش برای به حداقل رساندن ترک تحصیل دختران و تشویق زنان به علم آموزی ۳. رفع هرگونه تبعیض نسبت به زنان در راهیابی به دورههای آموزشی که در سطوح مختلف سیستم آموزشی در جریان است.

آلبانی: براساس ماده ۵۷ قانون اساسی کشور آلبانی، هر فردی حق دارد از آموزش برخوردار شود و در این زمینه هیچ تمایزی بین زن و مرد وجود ندارد. نقش زنان در سیستم آموزش آلبانی بسیار برجسته است به طوری که ۶۳ درصد از جمعیت معلمان این کشور را، زنان تشکیل می‌دهند. کودکان در آلبانی از سن شش سالگی به مدرسه می‌روند و بر طبق آمار ارائه شده در این گزارش ۴۸ درصد این دانش‌آموزان از میان دختران می‌باشند. متأسفانه این آمار در جوامع روستایی به دلیل مشکلات اقتصادی و مهاجرت از روستا به شهر بسیار پایین و تقریباً به نصف می‌رسد. بعد از رفع محرومیت تحصیل زنان در رشته‌های فنی، بیشتر دانش‌آموزان دختر از سال ۱۹۹۰م علاقه‌مند هستند که در این رشته‌ها به تحصیل بپردازند. از این رو تنها ۳۰ درصد از دانش‌آموزان دختر مراحل بالای تحصیلی را طی می‌کنند و به دانشگاه راه می‌یابند. دولت آلبانی در تلاش است که امکانات نوین آموزشی مانند اینترنت را در تمامی مدارس سطح کشور همگانی کند، اما شرایط بد اقتصادی این اجازه را تاکنون به این کشور نداده است.^{۲۹}

الجزایر: بر طبق ماده ۵۳ قانون اساسی الجزایر، همه کودکان بین ۶ تا ۱۶ ساله حق دارند بدون هیچ تبعیضی در جنسیت، رنگ و نژاد به تحصیل بپردازند. دولت الجزایر هر ساله ۲۰ درصد از بودجه خود را به امر آموزش اختصاص می‌دهد، علاوه بر آن از سال ۲۰۰۰م برنامه‌ای را برای جلوگیری ترک تحصیل دانش‌آموزان به ویژه دختران در مناطق بیابانی شروع کرده است. امروزه وزارت آموزش الجزایر با همکاری یونسف برای نیل بدین هدف، دو برنامه محوری جهت حمایت از تحصیل و ریشه‌کن کردن بی‌سوادی آغاز نموده است که شامل این اقدامات می‌باشد: ۱. ایجاد مدارس کانتیری با اختصاص بودجه‌ای نزدیک دو میلیون دینار ۲. ساختن مدارس به ویژه در مناطق صحرایی ۳. رایگان بودن آموزش برای دانش‌آموزان صحرایی.

30. Committee on the elimination of discrimination against women, 2003, cedaw/c/DZA/2, pp.24-36.

31. Committee on the elimination of discrimination against women, 2000, cedaw/c/UGA/3, pp.36-40.

32. Committee on the elimination of discrimination against women, 2003, cedaw/c/BGD/5, pp.26-29.

29. Committee on the elimination of discrimination against women, 2002, cedaw/c/ALB/1-2, pp.36-39.



در مقاطع ابتدایی از خود نشان داده‌اند، اما کمبود بودجه این امکان را فراهم نیاورده است که به طور کامل به هدف خود برسند. با در نظر گرفتن شرایط بد اقتصادی که در برخی از کشورهای اسلامی حاکم است، کمک سازمان‌های بین‌المللی وابسته به سازمان ملل متحد در این راستا ضروری می‌باشد. در غیر این صورت ما شاهد رشد ناهماهنگ دستیابی به امکانات و تسهیلات آموزشی در جوامع مسلمان خواهیم بود.

۴) کار

در جوامع امروزی یکی از شاخصه‌های توسعه، میزان اشتغال جمعیت فعال نسبت به کل جمعیت است. به عبارت دیگر فراهم نمودن فرصت‌های شغلی به عنوان یکی از مهم‌ترین اولویت‌های هر دولتی شناخته می‌شود. هیچ دولتی نمی‌تواند به موضوع کار و مزایایی که قانون برای کارمندان و کارگران در نظر گرفته بی‌تفاوت باشد؛ بنابر اهمیت این موضوع، در بخش اول ماده ۱۱ کنوانسیون منع تبعیض علیه زنان این موارد آمده است: ۱. حق کار (اشتغال) به عنوان یک حق لاینفک حقوق انسانی ۲. حق امکانات شغلی یکسان، از جمله اجرای ضوابط یکسان در مورد انتخاب شغل ۳. حق انتخاب آزادانه حرفه و شغل، حق ارتقای مقام، برخورداری از امنیت شغلی و تمام امتیازات و شرایط خدمتی و حق استفاده از دوره‌های آموزشی حرفه‌ای و بازآموزی از جمله کارآموزی و شرکت در دوره‌های آموزشی پیشرفته و مرحله‌ای ۴. حق دریافت مزد مساوی، استفاده از مزایا و برخورداری از رفتار مساوی در مشاغل و کارهایی که ارزش یکسان دارند، همچنین رفتار مساوی در ارزیابی کیفیت کار ۵. حق برخورداری از تأمین اجتماعی مخصوصاً در موارد بازنشستگی، بیکاری، بیماری، ناتوانی و پیری و سایر موارد از کارافتادگی. همچنین حق استفاده از مرخصی استحقاقی (با دریافت حقوق).

اردن: قانون اساسی اردن از ظرفیت بالایی به منظور حمایت از اشتغال زنان برخوردار می‌باشد، به طوری که در ماده ۲۳ این قانون، کار را حق هر انسانی می‌داند و دولت را موظف می‌کند که با ارتقای معیارهای اقتصادی، فرصت‌های شغلی برابر را برای تمام اتباع خود فراهم آورد. دولت اردن هیچ‌گونه سیاست تبعیض آمیز در استخدام نیروی انسانی در دواير دولتی ندارد و زنان می‌توانند به مراتب عالی اداری در این کشور برسند. یکی از مسائل مهم در مورد حقوق کار، بهره‌مندی از مزایایی کارگری مانند حق مرخصی، بیماری و زایمان و ... به طور مساوی می‌باشد، بدین جهت دولت اردن با ذکر مواردی چند از قانون کار نشان داده که در این راستا حرکت می‌کند. یکی از موارد نگرانی، عدم برابری در حقوق و مزایا بین زن و

مرد در محیط‌های غیردولتی می‌باشد. بر طبق آمار زنان تقریباً ۳۶ درصد کمتر از مردان دستمزد دریافت می‌کنند و متأسفانه دولت اقدام مؤثر برای رفع این تبعیض انجام نمی‌دهد. در این گزارش تنها از حق تأمین اجتماعی برای کارمندان زن با کسر ۱۰ درصد از حقوق ماهیانه صحبت شده و هیچ اشاره‌ای به کارگران بخش کشاورزی و صنعتی نکرده است که بیشترین سهم را در اشتغال زنان در اردن دارند.^{۳۳}

کامرون: دولت کامرون با استناد به قوانین خدمت عمومی اعلام می‌کند که تمام تلاش خود را مبذول داشت است که شرایط مساوی را در زمینه کار برای اتباع خود فراهم بیاورد. مهم‌ترین اقدامات عبارت است از: ۱. به رسمیت شناختن حق غیر قابل انکار کار برای همه به ویژه زنان ۲. انتخاب آزادانه شغل و تلاش در ارتقای امنیت شغلی ۳. برابری حقوق و مزایا بین کارگران زن و مرد به استناد مقاله‌نامه‌های سازمان بین‌المللی کار در این زمینه ۴. برخورداری از حق تأمین اجتماعی در برابر پیری، مریضی و ناتوانی بدون هیچ تبعیضی در جنسیت.^{۳۴} کویت: حمایت و پشتیبانی از زنان شاغل، با اعطای حقوق و مزایای کامل به مدت چهار ماه تا یک سال در مواجهه با شرایط سخت زندگی مانند بارداری، فقدان همسر و بیماری فرزند، یکی از سیاست‌های جدی دولت کویت برای ارتقای سطح اشتغال زنان می‌باشد. برخورداری زنان از تأمین اجتماعی بدون هیچ‌گونه تبعیض جنسیتی در میان کارمندان دولتی و بخش خصوصی به ویژه با تأسیس سازمان مستقلی به همین منظور، نشان از تلاش‌های کویت در این راستا دارد.^{۳۵}

مالزی: بعد از رشد اقتصادی که از سال ۱۹۸۰م در مالزی شروع شد، بسیاری از زنان روستایی با مهاجرت به شهرها در کارخانجات صنعتی مشغول به کار شدند. افزایش روزافزون جمعیت زنان شاغل در واحدهای صنعتی، دولت مالزی را واداشت با اجرای برنامه‌های خاص مانند تشویق صاحبان سرمایه به احداث مهدکودک در کنار واحدهای صنعتی و به رسمیت شناختن کار نیمه وقت، فرصت‌های بیشتری برای اشتغال زنان فراهم بیاورد. قانون کار مصوب ۱۹۵۵م اجازه هیچ‌گونه تبعیضی در مورد دستمزد، ساعت کار و ... بین زن و مرد نداده، بلکه برخی از قوانین را برای حمایت از زنان شاغل به تصویب رسانده است، برای مثال، مرخصی شش ماه با دریافت حقوق به منظور زایمان و نگهداری از کودک، و ممنوعیت کار زنان از ساعت ۱۰ شب تا ۵ صبح از جمله این موارد است. علاوه

33. Committee on the elimination of discrimination against women, 1997, cedaw/c/JOR/1, pp.12-15.

34. Committee on the elimination of discrimination against women, 2007, cedaw/c/CMR/3, pp.40-41.

35. Committee on the elimination of discrimination against women, 2003, cedaw/c/KWT/1-2, pp.52-60.



اتباع خود و به رسمیت شناختن حق زنان در اجرای اعمال حقوقی بدون هیچ وابستگی به مردان از جمله مواردی می‌باشد که این کنوانسیون بدان توجه نموده و در ماده ۱۵ خواستار رعایت آن از سوی کشورهای عضو شده است: ۱. دولتهای عضو، تساوی زنان را با مردان در برابر قانون می‌پذیرند ۲. دولتهای عضو، در امور مدنی، همان اهلیت قانونی را که مردان دارند، به زنان داده و امکانات مساوی را برای اجرای این اهلیت در اختیار آنها قرار می‌دهند. مخصوصاً دولتهای عضو به زنان حقوق مساوی با مردان را در انعقاد قرارداد و اداره اموال می‌دهند و در تمام مراحل دادرسی در دادگاهها و محاکم با آنها رفتار یکسان خواهند داشت ۳. دولتهای عضو قبول می‌کنند که هرگونه قرارداد یا اسناد خصوصی دیگر از هر نوع که به منظور محدود کردن صلاحیت قانونی زنان تنظیم شده باشد، باطل و بدون اثر تلقی می‌شود ۴. دولتهای عضو می‌پذیرند که در رابطه با قانون رفت و آمد اشخاص و انتخاب مسکن و محل اقامت، زن و مرد از حق مساوی برخوردار باشند.

اندونزی: برابری در برابر قانون بدون هیچ تبعیضی بین زن و مرد، یکی از مهم‌ترین اصول نظام قضایی در اندونزی می‌باشد که به طور صریح در ماده ۲۷ قانون اساسی این کشور بدان اذعان شده است. در سایر قوانین این کشور مانند حقوق مدنی، تجارت و ... هیچ‌گونه محدودیتی در اجرای اعمال حقوقی در چهارچوب قانون برای زنان وجود ندارد و آنان می‌توانند بدون هیچ وابستگی به همسر یا پدران خود، مبادرت به خرید و فروش، تأسیس شرکت و ... نمایند. زنان در سیستم قضایی اندونزی می‌توانند تمام پستهای قضایی مانند قضاوت، دادستان و وکالت را بر سر عهده بگیرند و هیچ‌گونه تمایزی بین زن و مرد وجود ندارد. علاوه بر آن شهادت زنان به تنهایی در دادگاهها مورد پذیرش قرار می‌گیرد.^{۴۰}

تاجیکستان: برخورد یکسان قانون با اتباع خود در پروسه‌های قضایی، بدون هیچ‌گونه رویکرد تبعیض آمیز نسبت به زنان از مهم‌ترین اصولی می‌باشد که در قانون اساسی تاجیکستان بدان اشاره شده است. براساس تغییراتی که در نظام قضایی تاجیکستان از سال ۲۰۰۳م به وجود آمد، زنان از مجازات اعدام مستثنی شدند. متأسفانه به علت شرایط بد اقتصادی، دخترانی که در زیر سن قانونی مرتکب جرایم می‌شوند، همراه مجرمان بزرگسال در یک مکان نگهداری می‌شوند. دولت تاجیکستان با در نظر گرفتن تمام محدودیتهای مالی، مراقبتهای بهداشتی را برای زنان باردار در زندانها در نظر گرفته است. علاوه بر آن قانون به قاضی اجازه می‌دهد که مجازات زنان حامله را تا سه

بر آن دولت مالزی با پذیرش مقاله‌نامه شماره ۱۰۰ سازمان بین‌المللی کار^{۳۶} که درباره تساوی حقوق و مزایا بین زن و مرد می‌باشد، به طور عملی در این راستا گام برداشته است. همه کارگران در مالزی بدون در نظر گرفتن حقوق دریافتی، حق برخورداری از حداقل خدمات بهداشتی را دارند، اما براساس قانون مصوب ۱۹۶۹م تأمین اجتماعی را تنها برای کارگرانی که درآمد آنان ۲۰۰۰ رینگیت^{۳۷} می‌باشد، به رسمیت شناخته است.^{۳۸}

مراکش: دولت مراکش از دو جنبه تلاش نموده است که تبعیض نسبت به زنان را برطرف نماید: ۱. تصویب مقاله‌نامه‌های سازمان بین‌المللی کار به منظور رفع تبعیض براساس جنسیت ۲. لغو قوانینی که به سبب آن برای زنان در عرصه اشتغال محدودیتهای را به وجود می‌آورد؛ به عنوان نمونه در ماده ۷۲۶ قراردادها، اشتغال زنان پرستار منوط به اجازه همسرانشان بود. به‌رغم آنکه دولت مراکش قوانین تبعیض آمیز نسبت به زنان را برداشته، اما آمار بالای بیکاری در میان زنان و عدم سیاست مشخص از سوی دولت سبب شده است که این تلاشها چندان ثمری نداشته باشد. امروزه بیشتر زنان در مراکش در واحدهای صنعتی به ویژه پوشاک و صنایع غذایی مشغول به فعالیت هستند که براساس تحقیقات ارائه شده در این گزارش ۵۰ درصد از حداقل حقوق کمتر دریافت می‌کنند.^{۳۹}

با در نظر گرفتن معیارهای پایین اقتصادی و نبود اقتصاد مولد، پویا و وابسته به درآمدهای نفتی در بیشتر کشورهای اسلامی، ما شاهد بیکاری افزاینده جوانان به ویژه زنان هستیم؛ چرا که وجود برخی از دیدگاههای سنتی مبتنی بر مردانه دانستن محیط کار یا برخی از حرفه‌ها خود عامل دیگر است که اشتغال زنان را با محدودیت مواجه می‌کند. هرچند که دولتهای اسلامی با تصویب قوانین و پیروی از برخی از معاهدات بین‌المللی سعی نموده‌اند که وضعیت کار زنان را بهبود بخشند، اما نبود برنامه مشخص اقتصادی منجر شده است که تلاشهای آنان نتیجه‌ای ملموس نداشته باشد.

۵) حقوقی و قضایی

برخورداری از دادرسی عادلانه و استقلال در انجام امور حقوقی، یکی از معیارهایی می‌باشد که میزان پایبندی دولتها به حقوق بشر با آن سنجیده می‌شود. رفتار یکسان قانون در برابر

36 . Equal remuneration convention 1951.

۳۷ . واحد پول مالزی.

38 . Committee on the elimination of discrimination against women,2004,cedaw/c/MYS/1-2, pp.63-69.

39 . Committee on the elimination of discrimination against women,2000,cedaw/c/MOR/2, pp.31-41.

40 . Committee on the elimination of discrimination against women,1997,cedaw/c/IDN/2-3, pp.68-72.



سال به تعویق بیندازد. بر طبق ماده ۱۹ قانون مدنی این کشور، همه اتباع این کشور آزادانه می‌توانند در همه جای این کشور سکنی یا مهاجرت نمایند؛ هیچ محدودیت قانونی در این زمینه به ویژه برای زنان وجود ندارد.^{۴۱}

ترکمنستان: یکی از مهم‌ترین اهدافی که سیستم قضایی ترکمنستان آن را دنبال می‌کند، برابری همه اتباع این کشور در برابر قانون بدون هیچ تمایزی در جنسیت می‌باشد. هیچ فردی را نمی‌توان از حق پیگیری پرونده خود در دادگاههای ترکمنستان منع نمود، مگر در جایی که این محرومیت توسط قانون پیش‌بینی شده باشد. بر طبق ماده ۲۴ قانون اساسی این کشور، شهروندان ترکمنستان در انتخاب محل زندگی خود آزاد هستند و هیچ مانع قانونی در ورود و خروج از کشور وجود ندارد. علاوه بر آن مهاجرانی که به مدت طولانی خواستار اقامت در ترکمنستان هستند، حق پیگیری شکایت را از دادگاهها دارند.^{۴۲}

یمن: دولت یمن با ذکر این مقدمه که جامعه متشکل از زن و مرد است و با استناد به حدیث نبوی که مؤمنان را باهم برادر می‌خواند، برابری در برابر قانون را از امور بدیهی در جامعه اسلامی برشمرده و یکی از مهم‌ترین فرهنگهایی می‌داند که اسلام آن را در جامعه بنا کرده است. به منظور دستیابی به دادرسی عادلانه، دولت یمن برای اشخاص کم درآمد جامعه به ویژه زنان که توانایی پرداخت هزینه‌های دادرسی را ندارند، کمک‌هایی را در نظر می‌گیرد. در برخی از مواقع این کمکها شامل گرفتن وکیل برای موکلان زنی می‌باشد که قادر به دفاع از خود در مجامع قضایی نیستند. در صورت فقدان همسر به مدت یک سال، قانون در یمن به زنان اجازه می‌دهد که به مدیریت اموال همسر خود بپردازند و مخارج کودکان را تا به سن قانونی برسند، بر عهده بگیرند.^{۴۳}

برقراری عدالت و قسط از مبنایی‌ترین اهدافی می‌باشد که اسلام برای هر حکومتی در نظر گرفته است. دستیابی به این هدف جز با وجود نظام عادلانه قضایی که بدون هیچ اغماضی در راستای دادگری حرکت کند، محقق نخواهد شد. عدالت خواهی حکومت‌های اسلامی نیازمند یک سیستم قضایی مستقلی می‌باشد که به همه اعضای جامعه به یک منظر بنگرد و هیچ‌گونه استانداردهای دوگانه در راستای اجرای عدالت برنتابد. به‌رغم آنکه نظام اسلامی به امر عدالت قضایی بسیار اهتمام ورزیده، متأسفانه ما شاهد هستیم برخی از کشورهای اسلامی دست به

41. Committee on the elimination of discrimination against women, 2005, cedaw/c/TJK/1-3, pp.58-60.

42. Committee on the elimination of discrimination against women, 2004, cedaw/c/TKM/1-2, pp.48-49.

43. Committee on the elimination of discrimination against women, 2002, cedaw/c/YEM/5, pp.87-90.

تغییراتی در نظام حقوق اسلامی به خصوص در امور قضاوت و شهادت زدند، تا خود را با مبانی غرب سازگار نمایند. این موضوع نه تنها کمکی به پیشبرد عدالت ننموده، بلکه مشکلات خاص دیگری را برای این جوامع به وجود آورده است.

۶) خانواده

کنوانسیون منع تبعیض علیه زنان در ماده ۱۶ خود به طور مفصل به موضوع ازدواج پرداخته و از کشورهای عضو خواسته است که هرگونه تبعیض در مورد زندگی مشترک بین زن و مرد برداشته شود. کمیسیون برخی از مواردی را که باید در آنها تبعیض نسبت به زنان رفع شود، به طور مشخص اعلام کرده است: ۱. حق آزادانه انتخاب همسر ۲. داشتن حق مساوی در نگهداری و حضانت کودک ۳. حق انتخاب نام فامیلی برای همسر ۴. احترام به حق مالکیت و به رسمیت شناختن مدیریت اموال.

پاکستان: مستقل بودن زنان در اداره اموال خود همانند مردان، یکی از اصولی می‌باشد که در قرآن و حقوق اسلامی به طور صریح بیان شده و در این زمینه هیچ مانع قانونی بر سر راه زنان وجود ندارد. با در نظر گرفتن رسومی که در پاکستان جاری است، مردان مایل نیستند که زنان از هويت جداگانه استفاده نمایند، اما در صورت اصرار زن بر داشتن هويت مستقل دادگاه از حق او حمایت خواهد کرد. بر طبق قوانین پاکستان، حضانت کودک حق مشترک بین پدر و مادر می‌باشد و هیچ‌کدام نسبت به دیگری اولویت ندارند، تنها در صورت طلاق دادگاه حضانت را به کسی واگذار می‌کند که از نظر رفاهی وضعیت بهتری برای فرزند فراهم می‌کند.^{۴۴}

ترکیه: در میان قوانین داخلی ترکیه، هیچ قانونی وجود ندارد که انتخاب همسر را برای زنان محدود یا وابسته به نظر خانواده بنماید. در جوامع روستایی به دلیل وجود برخی از سنتها نقش دختران در انتخاب همسر نسبت به مناطق شهری کم‌رنگ‌تر می‌باشد. بنابر آمار ارائه شده در این گزارش، بعد از تصویب قانونی که سن ازدواج را برای پسر ۱۸ و برای دختر ۱۶ مقرر نموده، سن ازدواج دختران در عرض سال ۱۹۷۹ تا ۱۹۹۲ تقریباً دو سال افزایش یافته و به ۱۹ سالگی رسیده است. حق تقسیم مشترک اموال زن و شوهر بعد از طلاق در ماده ۷۰ قانون مدنی این کشور پیش‌بینی شده است، اما در بسیاری از موارد اموال بعد از ازدواج به نام شوهران می‌شود، از این رو دادگاه درخواست زنان را برای تقسیم این داراییها رد می‌کند. فعالان حقوق زن با درک این نقص از قانون با تقدیم لوایح

44. Committee on the elimination of discrimination against women, 2005, cedaw/c/PAK/1-3, pp.119-121.



مزایا را که به طور قانونی به او تعلق دارد، پرداخت نماید. از دیدگاه این گزارش، سیاست دولت لیبی درباره تنظیم خانواده مبتنی بر تک همسری است و چند همسری در این کشور یک استثنا تلقی می‌گردد. سهم الارث زن از ماترکه شوهر، نصف می‌باشد و این مقدار بدون در نظر گرفتن وجود فرزند در خانواده است.^{۴۸}

هنگامی می‌توان بر نقش خانواده به عنوان مهم‌ترین رکن جامعه اعتماد و تکیه نمود که براساس فرهنگ میهنی پی ریزی شده باشد که خود دارای ویژگیهای بارز و منحصر به فرد هر ملتی است. اصلاح فرهنگهای نادرست در جوامع به ویژه در موضوع خانواده، ناشی از بالندگی و پویایی برای فراهم نمودن محیط بهتر در مهم‌ترین کانون جامعه ضروری می‌باشد. به گواه تاریخ، دین مبین اسلام نقش انکار ناپذیری در احقاق حقوق زنان در خانواده داشته است. آنچه از گزارشهای برخی از کشورهای اسلامی به دست می‌آید، نشان می‌دهد که در این راستا حرکت و برخی از فرهنگهای نادرست مانند ازدواج اجباری را ممنوع اعلام کرده‌اند، ولی در برخی از موارد تنها به پیروی از فرهنگ غربی مبادرت نموده‌اند، بدون آنکه نتایج ثمربخش آن را بسنجند.

حق شرط و موضوع کشورهای اسلامی نسبت به آن

بر طبق تعریف کنوانسیون وین، حق شرط عبارت است از بیانیه یک‌جانبه‌ای که یک کشور تحت هر نام یا به هر عبارت در موقع امضا، تصویب، پذیرش، تأیید یا الحاق نسبت به یک معاهده صادر و با آن قصد خود را اعلام می‌کند که اثر حقوقی بعضی از مقررات معاهدات را به هنگام اجرای آن معاهده نسبت به خود نمی‌پذیرد، یا آن را تغییر می‌دهد.^{۴۹}

کنوانسیون منع تبعیض علیه زنان از جمله پیمان‌نامه‌هایی می‌باشد که حق شرط را برای کشورهای عضو می‌پذیرد، به این شرط که با اهداف این کنوانسیون در تعارض نباشد.^{۵۰} بیشتر کشورهای اسلامی عضو این پیمان‌نامه از حق شرط استفاده کرده‌اند. بیشترین موارد حق شرط از سوی دولتهای اسلامی مربوط به موادی می‌باشد که با حقوق اسلامی سازگار نیست و اجرای آن را منوط به مطابقت با شریعت محمدی (ص) نموده‌اند. با در نظر گرفتن این رویه از سوی کشورهای اسلامی، شاید این انتقاد به ویژه به نظام جمهوری اسلامی ایران درست باشد که با بودن چنین حقی تاکنون از پذیرفتن این کنوانسیون خودداری

گوناگون در تلاش هستند که اصلاحات مد نظر خود را به مرحله عمل برسانند.^{۴۵}

تونس: دولت تونس در سال ۱۹۹۳م با تغییرات گسترده‌ای که در قوانین خانواده خود به وجود آورد، سعی نموده که با استانداردهای این کنوانسیون هماهنگی بیشتری به عمل آورد. اهم این اقدامات به شرح ذیل است: ۱. ممنوعیت چند همسری و تعیین مجازات برای آن در قانون ۲. به رسمیت شناختن حق حضانت کودک در صورت فوت همسر با وجود خویشاوندان پدری ۳. مسئول دانستن زن مانند مرد در قبال مخارج خانواده با توجه به تحولات روزافزون جامعه تونس ۴. ضمانت اجرای حق طلاق برای زن در سیستم قضایی ۵. بازگرداندن تمام هدایا به هنگام طلاق توسط زن و مرد ۶. عدم محدودیت مالی تعیین مهریه از سوی دولت ۷. لزوم تمکین همسر از شوهر دارای وجه قانونی نمی‌باشد، بنابراین مرد به این علت نمی‌تواند از همسر خود شکایت کند ۸. حق اظهار نظر برای مادرانی که فرزندانیشان در زیر سن قانونی قصد ازدواج دارند در کنار پدر.^{۴۶}

سوریه: دولت سوریه در گزارش خود اعلام می‌کند که قوانین مربوط به خانواده را از شریعت اسلامی گرفته است و دیگر اقلیتهای دینی در این کشور مانند مسیحیان و دروزیان در امور ازدواج تابع آداب و رسوم دینی خودشان هستند. ازدواج باید براساس توافق کامل (زن و شوهر) صورت بگیرد و در صورت اثبات شدن اجبار به یکی از طرفین، آن را غیر قانونی اعلام می‌کنند. یکی از وظایفی که به طور صریح قانون بر عهده مرد گذاشته است، نگهداری و مراقبت از همسر در محل زندگی می‌باشد. البته این تکلیف در صورت گناهکار نبودن زن از منظر فقهی بر او واجب نخواهد بود. طلاق توافقی بین زن و شوهر از جمله مواردی می‌باشد که دادگاههای سوریه آن را به رسمیت می‌شناسند و دادخواست هر یک از طرفین دعوا را برای طلاق بدون هیچ محدودیتی می‌پذیرند.^{۴۷}

لیبی: زنان در همه عرصه‌های گوناگون در لیبی مانند خانواده، سیاست و ... از نظر حقوق و مزایا با مردان مساوی هستند. بعد از مراسم ازدواج، زن می‌تواند هویت حقیقی خود (اسم و فامیل) را در اجرای اعمال حقوقی حفظ کند و به هیچ وجه تابع مرد نمی‌باشد. در صورتی که زن ثابت کند که ادامه زندگی مشترک برای او زیان‌آور می‌باشد، دادگاه با درخواست طلاق موافقت می‌نماید و مرد را موظف می‌کند که تمام حقوق و

48 . Committee on the elimination of discrimination against women,1999,cedaw/c/LBY/2, pp.46-48.

49 . principle of public international law, p.612.

50 . www.un.org/womenwatch/daw/cedaw/reservations.

45 . Committee on the elimination of discrimination against women,1996,cedaw/c/TUR/2-3, pp.123-126.

46 . Committee on the elimination of discrimination against women,2000,cedaw/c/TUN/3-4, pp.206-220.

47 . Committee on the elimination of discrimination against women,2005,cedaw/c/SYR/1, pp.81-90.



کرده است. عدم پذیرفتن این کنوانسیون اسباب هجمه علیه ایران را در مجامع بین‌المللی به بهانه رعایت نکردن حقوق زنان فراهم نموده است. لازم است با تجدید نظر درباره این موضوع، جایگاه واقعی ایران که به درستی از بسیاری کشورهای اسلامی عضو این کنوانسیون مانند عربستان، قطر، یمن و ... درباره استانداردهای حقوق زنان بالاتر است، به روشنی برای جامعه بین‌الملل تبیین شود. البته اگر به شرطهایی که کشورهای اسلامی به هنگام امضای این کنوانسیون گذاشته‌اند، نگاه شود به درستی خواهید فهمید که این کشورها به هیچ وجه حاضر نشده‌اند، تغییر عمده و مبنایی را در سیستم حقوقی زن که مبتنی بر فقه اسلامی می‌باشد، انجام دهند. از این رو می‌توان گفت نیوستن جمهوری اسلامی ایران به این کنوانسیون منطقی به نظر می‌رسد؛ چرا که برخی از کشورهای پیشرو در این کنوانسیون، خواستار تصویب آن بدون هیچ‌گونه اعمال حق شرطی از سوی کشورها می‌باشند.

نتیجه‌گیری

برآیند گزارش‌های ارائه شده به کمیته منع تبعیض علیه زنان، این را نشان می‌دهد که کشورهای اسلامی فعالیتهای نسبتاً

خوبی را در راستای احقاق حقوق زنان همگام با مردان انجام داده‌اند. هرچند که برخی از کاستیهای موجود در این زمینه، به دلیل رویه مورد پذیرش سازمان ملل که مبتنی بر گزارش دهی دولتها می‌باشد، مخفی مانده است. علاوه بر آن نبود سازمانهای غیردولتی فعال و مؤثر در بیشتر کشورهای اسلامی بر مشکلات نظارت و راست آزمایی بر اجرای مفاد این کنوانسیون افزوده است. هرچند که برخی از آمارهای ارائه شده در لابه‌لای گزارشها، حاکی از آن می‌باشد که دولتهای اسلامی به خصوص در اشتغال و آموزش هنوز فاصله زیادی با استانداردهای مورد نظر دارند. بی‌تردید این عملکردهای ضعیف ناشی از عقب ماندگی علمی و فقر فرهنگی در بسیاری از جوامع مسلمان می‌باشد. متأسفانه برخی از کشورهای اسلامی تنها سازوکار رفع تبعیض علیه زنان را پیروی از شیوه غربی دانسته‌اند که این دیدگاه را در گزارش کشور تونس به وضوح می‌توان مشاهده نمود. حال آنکه دین مبین اسلام از ابتدای ظهور خود در شبه جزیره عربستان به حقوق زنان در دوران تاریک جاهلیت توجه خاصی داشته است. از این رو لازم است که کشورهای اسلامی با بهره‌گیری از منابع دینی و درک مقتضیات زمان، هرچه بیشتر در این راستا گام بردارند.

کتابنامه

International Women's Studies, Vol.9#3 May 2008.

9. Majid, mohammadi, "Iranian women and civil rights movement in Iran: feminism interacted", Journal of International Women's Studies, Vol.9#1 November 2007.

C) Documents

10. Universal declaration of human rights.
11. Convention on the political rights of women.
12. Convention on the consent to marriage.
13. HRI/GEN/REV/ADD2, International human rights instrument, COMPILATION OF GUIDELINES ON THE FORM AND CONTENT OF REPORTS TO BE SUBMITTED BY STATES PARTIES TO THE INTERNATIONAL HUMAN RIGHTS.
14. Committee on the elimination of discrimination against women, 1996, cedaw/c/EGY/3.
15. Committee on the elimination of discrimination against women, 1998, cedaw/c/IRQ/2-3.
16. Committee on the elimination of discrimination against women, 2007, cedaw/c/SAU/2.

A) Books

1. Margot, Badran, *Feminism in Islam*, England, one world publication, 2005.
2. J.peter and A.wolper, *women's right, human rights: international feminist perspective*, London, Rutledge, 1995.
3. Ronagh.j.a.Mcquigg, *international human rights law and domestic violence*, New York, Rutledge, 2011.
4. Hickman,tom, *public law after the human rights act*, London, oxford and Portland, 2010.
5. Ian, Brownlie, *principle of public international law*, London, oxford, 1998.

B) Articles

6. Shrief Abdel Aze, "women in Islam versus women in the Judeo-Christian traditional".
7. www.yale.edu/Valentine, M.Moghadam, "Global feminism and women's citizenship in Muslim world".
8. Huma, Ahmed-Ghosh, "Dilemmas of Islamic and Secular Feminists and Feminisms", Journal of

against women, 2000, cedaw/c/MOR/2.

31. Committee on the elimination of discrimination against women, 1997, cedaw/c/IDN/2-3.

32. Committee on the elimination of discrimination against women, 2005, cedaw/c/TJK/1-3.

33. Committee on the elimination of discrimination against women, 2004, cedaw/c/TKM/1-2.

34. Committee on the elimination of discrimination against women, 2002, cedaw/c/YEM/5.

35. Committee on the elimination of discrimination against women, 2005, cedaw/c/PAK/1-3.

36. Committee on the elimination of discrimination against women, 1996, cedaw/c/TUR/2-3.

37. Committee on the elimination of discrimination against women, 2000, cedaw/c/TUN/3-4.

38. Committee on the elimination of discrimination against women, 2005, cedaw/c/SYR/1.

39. Committee on the elimination of discrimination against women, 1999, cedaw/c/LBY/2.

D) Site

40. www.un.org/womenwatch/daw/cedaw/history.

41. www.treatis.un.org/pages/viewdetails.

42. www.rcmajlis.ir/far/law.

43. www.un.org/womenwatch/daw/cedaw/reservations.

17. Committee on the elimination of discrimination against women, 2004, cedaw/c/UZB/2-3.

18. Committee on the elimination of discrimination against women, 2005, cedaw/c/AZE/2-3.

19. Committee on the elimination of discrimination against women, 2005, cedaw/c/BIH/1-3.

20. Committee on the elimination of discrimination against women, 2004, cedaw/c/LBN/1.

21. Committee on the elimination of discrimination against women, 2003, cedaw/c/NGA/4-5.

22. Committee on the elimination of discrimination against women, 2002, cedaw/c/ALB/1-2.

23. Committee on the elimination of discrimination against women, 2003, cedaw/c/DZA/2.

24. Committee on the elimination of discrimination against women, 1997, cedaw/c/JOR/1.

25. Committee on the elimination of discrimination against women, 2007, cedaw/c/CMR/3.

26. Committee on the elimination of discrimination against women, 2003, cedaw/c/KWT/1-2.

27. Committee on the elimination of discrimination against women, 2000, cedaw/c/UGA/3.

28. Committee on the elimination of discrimination against women, 2003, cedaw/c/BGD/5.

29. Committee on the elimination of discrimination against women, 2004, cedaw/c/MYS/1-2.

30. Committee on the elimination of discrimination

